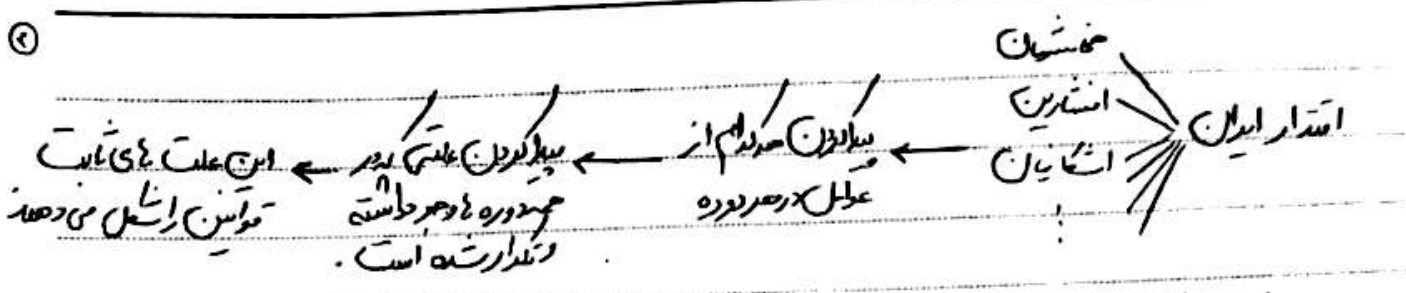


①



این توانش در آن به سمت امر معروف است.

تقریب تاریخ علمی:  
بررسی داده های تاریخی جهت کشف و استنباط قوانین حاکم بر تاریخ جهت مدیریت و پیشرفت علمی و دانش در عصر حاضر.

تاریخ و پیش بینی حاصل از تاریخ به سمت

تاریخ علم:

توصیه (عمل در توصیف علم)  
احول بین - نبوت (اعتدال در نبوت است و تفاوتی ندارد)  
معارف

امامت: حاشیه پیامبر

- ۱- مقامات پیامبر: ۱- ولایت الهی (استقلال عز و ج و قیامت)
- ۲- مرجعیت دینی / علمی: ششگانه اهل کلام و وحی را به مردم ابلاغ می کرده است.
- ۳- حاکمیت سیاسی / اجتماعی: تشکیل حکومت

حاشیه پیامبر:

اهل سنت: امان فقط حاکمیت سیاسی دارند (سور ۴)  
شیعه: امان هر سه مورد حاکمیت پیامبر باید باشند.

استطاعت اهل سنت پیش می آید و چون آنها فقط حاکمیت سیاسی را قبول دارند همان است هر کسی

توانایی نرد راه کار علم و عقل انسان است.

قبل فقط نوشتن و خواندن می بودند اکنون تصویر نیز اضافه شده.

۲- عقلی = منطقی باشد و با عقل عمومی یا عقل خصوصی هر دو در آید.

عقل عمومی (کسی که آن دانش آموخته عقل عمومی میفرماید که فرد مستعد بوده)

عقل خصوصی (دانش اشک ۹۰ هزار نفره موسی یا جمله امام حسین به لشکر میزد)

۳- علم بر حال = آنکه نرد راه شدن سلسله خبری (از نظر عقب کار نهایی، گواهی دهنی)

دولتی، سابقه دهنی، جهت گیری برای فردی و ...)

۴- علم در آید = بهر من من و جمعا (تألف شده در آید و ...)

۵- تقابله با دلیل اسناد حقیقی با دلیل اسناد (به خصوص اسناد بالادستی) [مندی که]

تطبیق آن بدین مایه است]

۲- قدرت تقسیم (برداشت اجتماعی کردن) : توانیم آنها را به سطح جامعه منت داده و برداشت علمی تر از آن دولت

[دانش ابوعلی سینا به برداشت اجتماعی که می توان از آن کرد به صورتی علمی قرار دادن]

توجه به نرد راه در آن دوران بوده است - مبنی بر رونق علمی - برداشت با اثبات می شود]

۳- سوختن کردن :

هر چیزی در این دنیا من بینیم علت دارد (علت معلول) تاریخ نیز علت من است و تابع علت است

ما از بدین و مطالعه تاریخ بدینال پیدا کردن علت را می بینیم.

عصری (موقت) - سیدی علت است که زنی خاص رخ می دهد پذیرفتنی است

علت (ثابت - سیدی) علت است که همیشه می آید و می رود منتهی آب میوه

ما در تاریخ بدینال علت های ثابتیم و برای اینکار نیاز به آن است که برای آنراستیم از مشاهده

تاریخ زمان و مکان است -



9

فطرت برای کنترل و هدایت غریزه است نه برای سرکوب آن یا به افراط و تفریط رسیدن آن و هدف اصلی بین افراط و تفریط است

در صدر اسلام:

- 1. بهترین توصیه مسلمان صدر اسلام برای رفتار پیش از آنکه در خلافت امام علی (ع) :  
توانستن اسلام را در حالت فردی داشته باشد (غایز، دین، زمان و...) را می پذیرد اما دستور آن اجتماعی اسلام حالته است از آنکه نه پیش نهادی دارند (یعنی دین) را همانی که طریقی می دهد نه می توانیم براساس آن عمل کنیم یا نه کنیم  
مازی الحج (عذیر) ۲۸ صفر ۶۰۰ (۶۰۲) و عا روز
- 2. حلقه نیری لشکر کوفه در کربلا در بین ما ششم (در بین ما ششم علی (ع) هم امام با ششم و هم عالم) همه خویش می خدایان در جاده
- 3. چون امام علی (ع) جوان بودند مردم می گفتند اینها که پیوسته به خلافت میسر می شود و بعد از او امام علی (ع) بطلان است که امام علی در جنگ با زیاد بن ابیه شرکت داشته اند و امروز برای امام جلالت در کوفه اند عده ای از خانواده و ضویش و نشان آنرا از کوفه به دل داشتند و می خواستند او خلفه شود

صفات نامرئوسان:

- 1. نیازی و متعلق الیها نیازی آب و غذا دارد
  - 2. حیوانی و سمیوت و غریزه دارد
  - 3. انسانی و قدرت فکر و انتخاب
  - 4. الهی و موجد و مسئول در صیغه شده
- بعد حیوانی }  
بعد غریزی }  
بعد انسانی }  
بعد الهی }
- آنچه در بین درستی این مراحل می باشد که در هر مرحله از هر یک از این صفات می باشد که در هر مرحله از هر یک از این صفات می باشد که در هر مرحله از هر یک از این صفات می باشد
- توان حاکمان و خدا را شناخت

مسئله به اینست که ما به سبب تقدیر کنیم که بیشتر شدن کند → بعد حیوانی / بعد غریزی / انسان درون

خرد و عقل، کسانی که از مسئولیت فروریخته اند و به دنبال لذت طلبی اند

انسان درون ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۱ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۷ و ۳۶۸ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰ و ۳۹۱ و ۳۹۲ و ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵ و ۳۹۶ و ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۱۵ و ۴۱۶ و ۴۱۷ و ۴۱۸ و ۴۱۹ و ۴۲۰ و ۴۲۱ و ۴۲۲ و ۴۲۳ و ۴۲۴ و ۴۲۵ و ۴۲۶ و ۴۲۷ و ۴۲۸ و ۴۲۹ و ۴۳۰ و ۴۳۱ و ۴۳۲ و ۴۳۳ و ۴۳۴ و ۴۳۵ و ۴۳۶ و ۴۳۷ و ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲ و ۴۴۳ و ۴۴۴ و ۴۴۵ و ۴۴۶ و ۴۴۷ و ۴۴۸ و ۴۴۹ و ۴۵۰ و ۴۵۱ و ۴۵۲ و ۴۵۳ و ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۵۶ و ۴۵۷ و ۴۵۸ و ۴۵۹ و ۴۶۰ و ۴۶۱ و ۴۶۲ و ۴۶۳ و ۴۶۴ و ۴۶۵ و ۴۶۶ و ۴۶۷ و ۴۶۸ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱ و ۴۷۲ و ۴۷۳ و ۴۷۴ و ۴۷۵ و ۴۷۶ و ۴۷۷ و ۴۷۸ و ۴۷۹ و ۴۸۰ و ۴۸۱ و ۴۸۲ و ۴۸۳ و ۴۸۴ و ۴۸۵ و ۴۸۶ و ۴۸۷ و ۴۸۸ و ۴۸۹ و ۴۹۰ و ۴۹۱ و ۴۹۲ و ۴۹۳ و ۴۹۴ و ۴۹۵ و ۴۹۶ و ۴۹۷ و ۴۹۸ و ۴۹۹ و ۵۰۰ و ۵۰۱ و ۵۰۲ و ۵۰۳ و ۵۰۴ و ۵۰۵ و ۵۰۶ و ۵۰۷ و ۵۰۸ و ۵۰۹ و ۵۱۰ و ۵۱۱ و ۵۱۲ و ۵۱۳ و ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ و ۵۱۷ و ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ و ۵۲۱ و ۵۲۲ و ۵۲۳ و ۵۲۴ و ۵۲۵ و ۵۲۶ و ۵۲۷ و ۵۲۸ و ۵۲۹ و ۵۳۰ و ۵۳۱ و ۵۳۲ و ۵۳۳ و ۵۳۴ و ۵۳۵ و ۵۳۶ و ۵۳۷ و ۵۳۸ و ۵۳۹ و ۵۴۰ و ۵۴۱ و ۵۴۲ و ۵۴۳ و ۵۴۴ و ۵۴۵ و ۵۴۶ و ۵۴۷ و ۵۴۸ و ۵۴۹ و ۵۵۰ و ۵۵۱ و ۵۵۲ و ۵۵۳ و ۵۵۴ و ۵۵۵ و ۵۵۶ و ۵۵۷ و ۵۵۸ و ۵۵۹ و ۵۶۰ و ۵۶۱ و ۵۶۲ و ۵۶۳ و ۵۶۴ و ۵۶۵ و ۵۶۶ و ۵۶۷ و ۵۶۸ و ۵۶۹ و ۵۷۰ و ۵۷۱ و ۵۷۲ و ۵۷۳ و ۵۷۴ و ۵۷۵ و ۵۷۶ و ۵۷۷ و ۵۷۸ و ۵۷۹ و ۵۸۰ و ۵۸۱ و ۵۸۲ و ۵۸۳ و ۵۸۴ و ۵۸۵ و ۵۸۶ و ۵۸۷ و ۵۸۸ و ۵۸۹ و ۵۹۰ و ۵۹۱ و ۵۹۲ و ۵۹۳ و ۵۹۴ و ۵۹۵ و ۵۹۶ و ۵۹۷ و ۵۹۸ و ۵۹۹ و ۶۰۰ و ۶۰۱ و ۶۰۲ و ۶۰۳ و ۶۰۴ و ۶۰۵ و ۶۰۶ و ۶۰۷ و ۶۰۸ و ۶۰۹ و ۶۱۰ و ۶۱۱ و ۶۱۲ و ۶۱۳ و ۶۱۴ و ۶۱۵ و ۶۱۶ و ۶۱۷ و ۶۱۸ و ۶۱۹ و ۶۲۰ و ۶۲۱ و ۶۲۲ و ۶۲۳ و ۶۲۴ و ۶۲۵ و ۶۲۶ و ۶۲۷ و ۶۲۸ و ۶۲۹ و ۶۳۰ و ۶۳۱ و ۶۳۲ و ۶۳۳ و ۶۳۴ و ۶۳۵ و ۶۳۶ و ۶۳۷ و ۶۳۸ و ۶۳۹ و ۶۴۰ و ۶۴۱ و ۶۴۲ و ۶۴۳ و ۶۴۴ و ۶۴۵ و ۶۴۶ و ۶۴۷ و ۶۴۸ و ۶۴۹ و ۶۵۰ و ۶۵۱ و ۶۵۲ و ۶۵۳ و ۶۵۴ و ۶۵۵ و ۶۵۶ و ۶۵۷ و ۶۵۸ و ۶۵۹ و ۶۶۰ و ۶۶۱ و ۶۶۲ و ۶۶۳ و ۶۶۴ و ۶۶۵ و ۶۶۶ و ۶۶۷ و ۶۶۸ و ۶۶۹ و ۶۷۰ و ۶۷۱ و ۶۷۲ و ۶۷۳ و ۶۷۴ و ۶۷۵ و ۶۷۶ و ۶۷۷ و ۶۷۸ و ۶۷۹ و ۶۸۰ و ۶۸۱ و ۶۸۲ و ۶۸۳ و ۶۸۴ و ۶۸۵ و ۶۸۶ و ۶۸۷ و ۶۸۸ و ۶۸۹ و ۶۹۰ و ۶۹۱ و ۶۹۲ و ۶۹۳ و ۶۹۴ و ۶۹۵ و ۶۹۶ و ۶۹۷ و ۶۹۸ و ۶۹۹ و ۷۰۰ و ۷۰۱ و ۷۰۲ و ۷۰۳ و ۷۰۴ و ۷۰۵ و ۷۰۶ و ۷۰۷ و ۷۰۸ و ۷۰۹ و ۷۱۰ و ۷۱۱ و ۷۱۲ و ۷۱۳ و ۷۱۴ و ۷۱۵ و ۷۱۶ و ۷۱۷ و ۷۱۸ و ۷۱۹ و ۷۲۰ و ۷۲۱ و ۷۲۲ و ۷۲۳ و ۷۲۴ و ۷۲۵ و ۷۲۶ و ۷۲۷ و ۷۲۸ و ۷۲۹ و ۷۳۰ و ۷۳۱ و ۷۳۲ و ۷۳۳ و ۷۳۴ و ۷۳۵ و ۷۳۶ و ۷۳۷ و ۷۳۸ و ۷۳۹ و ۷۴۰ و ۷۴۱ و ۷۴۲ و ۷۴۳ و ۷۴۴ و ۷۴۵ و ۷۴۶ و ۷۴۷ و ۷۴۸ و ۷۴۹ و ۷۵۰ و ۷۵۱ و ۷۵۲ و ۷۵۳ و ۷۵۴ و ۷۵۵ و ۷۵۶ و ۷۵۷ و ۷۵۸ و ۷۵۹ و ۷۶۰ و ۷۶۱ و ۷۶۲ و ۷۶۳ و ۷۶۴ و ۷۶۵ و ۷۶۶ و ۷۶۷ و ۷۶۸ و ۷۶۹ و ۷۷۰ و ۷۷۱ و ۷۷۲ و ۷۷۳ و ۷۷۴ و ۷۷۵ و ۷۷۶ و ۷۷۷ و ۷۷۸ و ۷۷۹ و ۷۸۰ و ۷۸۱ و ۷۸۲ و ۷۸۳ و ۷۸۴ و ۷۸۵ و ۷۸۶ و ۷۸۷ و ۷۸۸ و ۷۸۹ و ۷۹۰ و ۷۹۱ و ۷۹۲ و ۷۹۳ و ۷۹۴ و ۷۹۵ و ۷۹۶ و ۷۹۷ و ۷۹۸ و ۷۹۹ و ۸۰۰ و ۸۰۱ و ۸۰۲ و ۸۰۳ و ۸۰۴ و ۸۰۵ و ۸۰۶ و ۸۰۷ و ۸۰۸ و ۸۰۹ و ۸۱۰ و ۸۱۱ و ۸۱۲ و ۸۱۳ و ۸۱۴ و ۸۱۵ و ۸۱۶ و ۸۱۷ و ۸۱۸ و ۸۱۹ و ۸۲۰ و ۸۲۱ و ۸۲۲ و ۸۲۳ و ۸۲۴ و ۸۲۵ و ۸۲۶ و ۸۲۷ و ۸۲۸ و ۸۲۹ و ۸۳۰ و ۸۳۱ و ۸۳۲ و ۸۳۳ و ۸۳۴ و ۸۳۵ و ۸۳۶ و ۸۳۷ و ۸۳۸ و ۸۳۹ و ۸۴۰ و ۸۴۱ و ۸۴۲ و ۸۴۳ و ۸۴۴ و ۸۴۵ و ۸۴۶ و ۸۴۷ و ۸۴۸ و ۸۴۹ و ۸۵۰ و ۸۵۱ و ۸۵۲ و ۸۵۳ و ۸۵۴ و ۸۵۵ و ۸۵۶ و ۸۵۷ و ۸۵۸ و ۸۵۹ و ۸۶۰ و ۸۶۱ و ۸۶۲ و ۸۶۳ و ۸۶۴ و ۸۶۵ و ۸۶۶ و ۸۶۷ و ۸۶۸ و ۸۶۹ و ۸۷۰ و ۸۷۱ و ۸۷۲ و ۸۷۳ و ۸۷۴ و ۸۷۵ و ۸۷۶ و ۸۷۷ و ۸۷۸ و ۸۷۹ و ۸۸۰ و ۸۸۱ و ۸۸۲ و ۸۸۳ و ۸۸۴ و ۸۸۵ و ۸۸۶ و ۸۸۷ و ۸۸۸ و ۸۸۹ و ۸۹۰ و ۸۹۱ و ۸۹۲ و ۸۹۳ و ۸۹۴ و ۸۹۵ و ۸۹۶ و ۸۹۷ و ۸۹۸ و ۸۹۹ و ۹۰۰ و ۹۰۱ و ۹۰۲ و ۹۰۳ و ۹۰۴ و ۹۰۵ و ۹۰۶ و ۹۰۷ و ۹۰۸ و ۹۰۹ و ۹۱۰ و ۹۱۱ و ۹۱۲ و ۹۱۳ و ۹۱۴ و ۹۱۵ و ۹۱۶ و ۹۱۷ و ۹۱۸ و ۹۱۹ و ۹۲۰ و ۹۲۱ و ۹۲۲ و ۹۲۳ و ۹۲۴ و ۹۲۵ و ۹۲۶ و ۹۲۷ و ۹۲۸ و ۹۲۹ و ۹۳۰ و ۹۳۱ و ۹۳۲ و ۹۳۳ و ۹۳۴ و ۹۳۵ و ۹۳۶ و ۹۳۷ و ۹۳۸ و ۹۳۹ و ۹۴۰ و ۹۴۱ و ۹۴۲ و ۹۴۳ و ۹۴۴ و ۹۴۵ و ۹۴۶ و ۹۴۷ و ۹۴۸ و ۹۴۹ و ۹۵۰ و ۹۵۱ و ۹۵۲ و ۹۵۳ و ۹۵۴ و ۹۵۵ و ۹۵۶ و ۹۵۷ و ۹۵۸ و ۹۵۹ و ۹۶۰ و ۹۶۱ و ۹۶۲ و ۹۶۳ و ۹۶۴ و ۹۶۵ و ۹۶۶ و ۹۶۷ و ۹۶۸ و ۹۶۹ و ۹۷۰ و ۹۷۱ و ۹۷۲ و ۹۷۳ و ۹۷۴ و ۹۷۵ و ۹۷۶ و ۹۷۷ و ۹۷۸ و ۹۷۹ و ۹۸۰ و ۹۸۱ و ۹۸۲ و ۹۸۳ و ۹۸۴ و ۹۸۵ و ۹۸۶ و ۹۸۷ و ۹۸۸ و ۹۸۹ و ۹۹۰ و ۹۹۱ و ۹۹۲ و ۹۹۳ و ۹۹۴ و ۹۹۵ و ۹۹۶ و ۹۹۷ و ۹۹۸ و ۹۹۹ و ۱۰۰۰

بلکه از نقد حیوانی برای رسیدن در نقد انسانی استفاده کرد.



(۵)

۱. اطاعت محض (نپذیرش مطلق): پذیرش عام دستورات خدا بدون هیچ نقدی  
۲. لذت‌گشایی: پذیرش تقاضای آن دستورات با بدستی کردن آنها توسط عمل خود  
دوره بهترین است و دوره ۲ اصلاً ارزش ندارد.

مسئله این است که مرحله نپذیرش عملی اصول دین را نسبت سرنگانده باشد و بدین نپذیرش عملی  
حکایت از طارک دینی وی گذشت ندارد.

□ در اطاعت محض آیا منافاتی با نپذیرش عملی یا اختیار انسان وجود دارد؟ خیر  
در اطاعت محض توسط همان نپذیرش عملی یعنی توحید یعنی خداوند در چه حالات محضی فرد است  
مثل قدرت، علم، عدالت و ... به برتر بودن خدا  
تقلید در اصول دین مجاز نیست و انسان خود باید آنها را باید بداند و بپذیرد  
چون می‌گوئیم خدا در چه صفات بهترین است و این را خود بدان یافته ایم و پذیرفته ایم نپذیرش عملی  
در اطاعت محض وجود دارد و نقی نمی‌شود.

□ اطاعت محض با رویه نپذیرش منافاتی ندارد.

احکام تابع مصالح و مفاسد واقعی هستند یعنی هر خلقتی مدد در حد یک دلیل منطقی و خوب برای زندگی  
دنیوی انسان دارد چه خوب و چه بد.

۱. همه موجودات از جمله انسان از فطر آفریدی اند پس غریزه فانیان برای درجه موجودات وجود دارد  
انسان حیوان است و حق است و دارای قدرت اندیشه

انسان = غریزه + فطرت  
که غلبه فطرت بر غریزه = انسانیت

غریزه/لبهیت	فطرت
قوی تله آفریدی	نوع دوستی

چون قوی ترین غریزه آفریدی است؛ آفریدی کامل؛ با اعمال کردن حق و دلیلان همراه است فطرت نوع دوستی از آن  
جلوگیری می‌کند.

۴) راجع به اینست که شیعیان و سنیان در این اشغال نمی شوند و همچنین امامان از طرف خدا انتخاب می شوند چنانچه مردم توانایی تشخیص اصل خود را ندارند.

□ در دیگاه اهل سنت، خلافت انسانی برای انتصاب و تعیین امام وجود دارد که هیئت است.

۱- اجماع اهل حل و عقد: بر لزوم اجماع و میثاق هر دوره.

۲- تعیین جریح خلفه قبلی (استخلاف): مثل به خلافت رسیدن عمر، بنی و...

۳- شوری: به خلافت رسیدن عثمان.

۴- رای مردم: در صورتی که مردم او را انتخاب کنند مثل امام علی.

۵- استیلاء: به قوتی نظامی و جبری بر دیگران مثل به خلافت رسیدن معاویه.

□ در تنظیم سازی از نظر شیعیان اول باید نظر به امانت و بعد طبق نظر مصداق نبوت می آید.

□ " اهل سنت اول اتفاق خارجی می دهند و بعد نظری مساعد می شود.

□ اختلاف ابوبکر و عمر: این دو خلفه خودشان را از لحاظ عدالت و امانت قرار داده اند نسبت به امام علی بوده اند.

حنفی که ابوبکر برادر بنی برادر است از اول خلافتش رفته بوده است می گویند " ای مردم عدالت را بین ما بپاشید

علی است خطا کنی.

عمر نیز گفته است ای علی (ع) نبودی من حاکم می شوم.

۱- نظام " داشتن برای پیشرفت انسان مهم است و برای عدالت در مسیر مشخص لازم است.

دین یکسری قوانین است و تدابیر برای تنظیم زندگی هم است بطوریکه ادیان متفاوتی آمده اند که این نظام را به انسان بدهند.

داشتن ادیان مختلف همان داشتن چند مسیر مختلف است که این چند مسیری خاصه است.

قراین ← تنظیم کننده زندگی ← خدا تنظیم کننده ← فرستادن پیامبر برای هدایت مردم به اسلام.

✓ پذیرش مطلق، اطاعت محض → مسلمانان در مواجهه با قوانین (۲) نوعی واکنش دارند

x گزینشی

۱) پیامبر کاملاً متعصب بوده بودند که سبب از ایشان عقوبت و اهل بیت جانبداران ایشان می شدند.  
 بنمایای که صاحبزاده برای جانفشانی می نمود داشتند عدالت محلی بود [ اهل بیت علیه کسی از محابه پیامبر بودند  
 ولی صاحبزاده می گفتند که محابه را می توان جانفشانی پیامبر را کرد و در آن محقه صحت هم جعل کردند.  
 - محابه و دوستی با اهل اسلام بودن (۷ دلیل پیامبر

۲) مشکل اساسی این بنیاده این بود که خود میانه میزدند و با هم درگیر می شدند و گاهی خدایان قدر گشته شدند و قابل و  
 حقوق نمی توانستند در دو طرف باشند. برای برطرف کردن این مشکل به گفته که محابه چه می تواند باشد.  
 و مجتهد متعصب است خارج تعلیف است (تعمین بودن حقیقت)  
 گفتند چون مجتهد است فردی را بر این یا کافر است انجام می دهد و یا پادشاه می شود یا حتی اگر کارش به جاده انجام  
 دهد ۱. پادشاه را دارند.

عدالت محابه + اجتهاد

۳) انضام و یاران علیه ای پیامبر که دو تبلیه بودند او را و قریب به سه دهی: سه دهی: عباده (از تبلیه فخری)  
 انضام نسبت به صاحبزاده مهم دینی قوی تر و بالاتری داشتند.  
 عاشق با اهل کتاب (پیرو)  
 دلائل مهم دینی قوی تر - جنوبی بودن - سابقه توصیف  
 که عدل (داشتن حکومت، نظام، شهرت و...)

۴) یهودی با که از بنی اسرائیل اند - مرکز بنی اسرائیل است (در رم) - تبلیغ ندارند - تیرا و بیست اند  
 جدا یهودی را در عربستان بودند؟ - افواج سکن توسط امپراطور  
 بر اساس اطلاعات کتاب مقدس می دانستند که پیامبر خدا را در یثرب یهودی که  
 در بنی نضیر به آگاهی داشتند تا با پیامبر همراه شوند و به صفت با سبیل بودند.

۵) علت داشتن مهم دینی قوی تر (مانون) و تیرا (عایل اولاد) - با کمالی (دع) داشتند ولی چون می دیدند که  
 محابه برای بیست و هفت نفر حکومت تلاش می کنند از سر بیاری تصمیم گرفته اند که به حکومت برسند چون می دانستند  
 آنها بودند که می کردند پیامبر حکومت تشکیل دهد و صاحبزاده و عدا و... دادند  
 - انضام با صاحبزاده رعیت تبلیغی داشتند.

ج. السلس (در حساب سازی) از اشیاء و اشیاء

## حکومت سافیر:

الحسن حکومتی کے دربارستان میں موجود ایک مصور نے ایک قابل آنکھ دولت قرائت و صبر نہایت خوبصورت قبیلہ کی  
ادارہ ہند

در تفسیر مردم در مورد حکومت و خاندان آن و ... حکومت به تعبیر ای نهاده ای است که در کشور و عدالت <sup>(۴)</sup> مردم به وسیله  
در فرایند انتقال قدرت و جانشینی پیرزین نقش و جای عدالت را داشته  
<sup>(۵)</sup> حکومت که بعد از فتح به نسبت شده و در این نظام بیا میر ۹ ساله و به اصطلاح کهنسال مرد و این کهنسال  
بیا میر نظام انتقال قدرت پس می رود

بیا میریم بختل انتقال قدرت می ده  
 (۱) بیا میریم بختل انتقال قدرت می ده  
 (۲) بیا میریم بختل انتقال قدرت می ده  
 (۳) بیا میریم بختل انتقال قدرت می ده  
 (۴) بیا میریم بختل انتقال قدرت می ده  
 (۵) بیا میریم بختل انتقال قدرت می ده  
 (۶) بیا میریم بختل انتقال قدرت می ده  
 (۷) بیا میریم بختل انتقال قدرت می ده  
 (۸) بیا میریم بختل انتقال قدرت می ده  
 (۹) بیا میریم بختل انتقال قدرت می ده  
 (۱۰) بیا میریم بختل انتقال قدرت می ده

تربت ہے یا غریب .

۱] بیعت دلائل بالا کرده ای شغل می نویسد که بدلیل داشتن غریزه قدرت طلبی من خواستند به جای اصل بیعت قدرت را به دست آورند.

۲] عوامل شغل نفسی کرده ای سیاسی در میان پیامبر خدا و پیروان او بود بالا

۳] حیوانات سیاسی اراضی را به دست می آورند و به وسیله دهنده.

(الف)

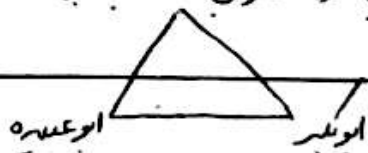
۱. مکرره ایسی کتب شریفہ بالاسفل درج ہیں احزاب لغتہ میں مشہور

اولین اخذ امری که بعد از این مورد مثال کسب قدرت بودند:

۱) مباحثین: بعضی از افرادی که همراه با ماسر آمده و مدینه مهاجرت رفته [حسنة اوله ابن] نبوه با ماسر مباحث

سید، سید محمد [ از شهر و پیشانی ]، ابو بلتر - عمر - عثمان - ~~محمد بن ابی~~ - عمرو و عاص - سعد بن ابی وقاص -

عقل ابن ولید - ابو عبیدہ صراح ← (معتبرین) سبوح : عمومن خطاب برد





Date

ایوب علیہ السلام

۱- آتش معانی و غیره در این حدیث مذکور است: بحسب

مراجعة ٣٠ اصدار

၂၆-၆-၁၃၈၈

اعمال خود بر آئیند ۳۰۰ و ۳۰۰ بار ای جلاله و عزه و کبریا

(۴) سیاه ورم: هرگاه مصلن بود حمله کند.

انور لسانی بیسٹری سرگودھا سے ہے۔ ان کا شمار اردو ادب کے نامور شعراء میں ہوتا ہے۔ ان کی شاعری میں ایک خاص رنگ ہے۔ ان کی شاعری میں ایک خاص رنگ ہے۔ ان کی شاعری میں ایک خاص رنگ ہے۔

[illegible]

مخبره و توجیه "حکومت شام" را بر عهده گرفت. چون شام خارج از قریه الکلب بود و منطقه ای صعب بود و خود مردم شام (اطلاعاتی در مورد منطقه و برهان ابو سفیان) نداشتند و ابو سفیان و بنی امیه مردم را به طور عالی ترست کردند که کاملاً دستور نشان را اطاعت کنند.

• اولین حاکم شام: یزید اول ← علوی اول ← یزید دوم ← معاویه دوم [بنی عباس] ← سنان بن حکم [از بنی قریظ؟ بعد بنی عباس]

۴) حاشیه ها:

بر رهبری امام علی (ع)

مگر کسی بود که در کردستان "الحاکم محسن" بود و با کیفیت ترین و خاص ترین سخنان صرف نظر از عرب و عجم جز این گروه محسوب می شدند.

مثل ابوذر - سلمان - علی - عاصم و ...

الحاکم محسن

است

زینب بنی امیه

تقدیر و سلوک بنی شام باید

۱) بعد از حاشیه ها اگر چه تقسیم می شوند نام طایفه ها (علویان) ← فرزندان امام علی (ع)

۲) عباسیان ← فرزندان عباس بن موسی بنی امیه

۵) استیارات بر حسب نظر خلافت:

۱) یار غار بول (۱) یار غار بول بنی امیه (۲) امام جماعت (زمانی که حال بنی امیه خوب نبود ابو بکر و جابر ایشان پیش می رفتند)

۱- یار غار بول: شب هجرت بنی امیه (لایله الحبیب) شبی که امام علی در جابر بنی امیه خوابید (این شب با شبی که بنی امیه با ابو بکر به غار رفت یک شب بود) می آید ای بر منبازند رسیدن نازل شد که منتظر آن ابو بکر بود. این آیه نیز در قرآن است یار ابو بکر برد و آن آیه کوچک ترین است ز امام علی

۲- امام جماعت: او را لایله در این روایات شده و در حدیث و می توان آن را پذیرفت

دو تا از این را بنویسیم باز هم روایتی معنی بر نماند و بنی امیه از این قضیه است.

سواء از حدیث قبلیم را بنویسیم طبق دستور بنی امیه در آن زمان ابو بکر باید در سوره آمده باشد

۵) افسار حلیه ای تشکیل دادند و در ضمن این جلسه از بهادر بن سراسن رسیدن و مجلس را بدست گرفتند.

### ۳) اسویان:

قبیل بنی امیه ← رهبر: ابوسیان

مقرنش: امپار و تیره آنها در نهمان مرم

۱) موطنه باک و تیره مقرنش ۲) بنی حاشم (از تیره سراسن) قدرت داشتند و در این وقت قبیله در خانواده امیه بود ۳) بنی امیه (از تیره امیه) و تهاکی قوی بودند

۴) موطنه در حله با پس ۵) بنی شیم و بنی عدی

۱) بنی امیه بعد از ظهور پیامبر با بنی حاشم درگیر شدند و جنگ دیرینه مقابل بنی حاشم را از قریش جدا کردند و در نهایت در این وقت از خود دست برداشتند.

۲) خاندان بنی امیه بعد از جریان هجرت پیامبر هیچ وقت ایمان نیاوردند فقط در بعضی از زمان ها اسلام را می پذیرفتند [به دلیل فتح مکه] بنی امیه علیه پیامبر و اسلام حرم های زیادی را که داده بودند و انتظار داشتند که پیامبر از آنها انتقام بگیرد و بنی امیه گفت "از عهدا و انتم الطلقاء" و آنها را آزاد کرد و این حرف پیامبر تا آخر عمر خاندان بنی امیه نسبت داده شد و هر کسی که پیامبر زدند در عرب این عبارت است که چون از آنها خندهش می شود آنها را از حال خود رها کردند (ابوسفیان و خاندانش) و او آدم حساب نمی کردند (سلمان)

خاندان بنی امیه برای اینکه این حرف پیامبر که آنها را چند سال لقب داده و برابر سلمانان قبول می کردند متغیر شده بودند محکم و قدری بلندتر بنی برابر از بنی بودن این لقب کردند

ابوسیان از ابوبکر بدش می آمد چون ابوبکر وعده از خاندان نامی (امیه) بنی شیم، بنی عدی که مسلط با بنی بودند و می گفت ما بدش می آمد خانواده با بنی و خلافت رسد برابر همین نزد امام علی که از طرف خانواده اش را می بود وقت می دانی نه دلیل بر حق بودن امام علی بلکه می طر رسم حاج علی موجود که خاندان نامی بدتر باید و خلافت بر حاکم رسد ← حرف ابوسیان بدشست و اعتقاد حاکمیت

ابوسیان از امام علی نا امید شد و ابوبکر روی می آورد و می میشت [مشاکت در قدرت] با ابوبکر بدشست می کند و ابوبکر با حال میل آن را بدشست چون جعفر بن ابی طالب بدشست محکم شده بود